



وصی اخلاقی آیت‌الله قاضی هم مانند استادش چیزی در دنیا باقی نگذاشت

حجت‌الاسلام محمود هاتف قوچانی امام جماعت مسجد الرسول سعادت آباد تهران و نماینده سابق ولی فقیه و رئیس عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران و فرزند عارف بزرگ ...

خبرگزاری فارس-بهبود سعیدی‌کیا: حجت‌الاسلام محمود هاتف قوچانی امام جماعت مسجد الرسول سعادت آباد تهران و نماینده سابق ولی فقیه و رئیس عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران و فرزند عارف بزرگ آیت الله شیخ عباس هاتف قوچانی (ره) وصی اخلاق و طریقت عارف بزرگ آیت الله آقا سید علی قاضی طباطبایی (ره) در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس در مورد پدرش مرحوم شیخ عباس قوچانی گفت: مرحوم پدرم مانند استادش عارف بزرگ سید علی آقا قاضی هیچ اثر مکتوب و یا مال دنیا از خود باقی نگذاشت و به معنای واقعی از لحاظ امور دنیوی، دست‌خالی از دنیا رفت.

وی افزود: شیخ عباس هاتف قوچانی در سال 1292 شمسی در روستای گوزل آباد از توابع قوچان در خراسان رضوی کنونی به دنیا آمد و دراول فروردین 1369 شمسی در نجف اشرف رحلت کرده و در همان جا به خاک سپرده شد.

فرزند آیت‌الله قوچانی گفت: وی در همان سنین کودکی وارد حوزه علمیه قوچان شد و بعد از یاد گرفتن مقدمات با گرفتن اجازه از پدرش و علیرغم نگرانی مادر به حوزه علمیه مشهد رفته و سطوح عالیه درس حوزه در مشهد گذراند.

وی افزود: در آن زمان به دستور رضاشاه که نسبت به عمامه‌داران سخت می‌گرفت، هیأتی در مشهد به ریاست رئیس دادگستری، تولیت وقت آستان قدس و شهربانی و طلبه‌ها امتحان می‌گرفت و هرکس که در امتحان موفق می‌شد اجازه عمامه بر سر می‌گرفت و بقیه از داشتن عمامه محروم می‌شدند که مرحوم پدرم 2 بار در این امتحان موفق شدند و اجازه عمامه دریافت کرد.

وی گفت: مرحوم پدرم از همان ابتدا دنبال مسائل معنوی بود و با ریاضت‌های خوراکی که برای خود ترسیم کرده بود در نهایت مزاجش را صدمه زده بود و دچار سوء هاضمه شده بود و به او گفته بودند برای رفع این مشکل حتماً باید ورزش کند که آن زمان مانند اکنون نبود که وسایل ورزشی حتی در پاک‌ها باشد، ورزش فقط منحصر به زورخانه‌ها بود و در زورخانه نیز برخی افرادی با سبیل و عده‌ای غیر مقید به نماز حضور داشتند که علیرغم میل باطنی، مجبور بود با آنها میل ورزشی بزند و با کراهت روحی به آن ورزش ادامه می‌داد تا زمانی که حادثه مسجد گوهرشاد و قضیه کشف حجاب رضاخانی در سال 1313 اتفاق افتاد که بعد مجبور شد به نجف اشرف مهاجرت کند و در آنجا تحصیلات عالیه و دروس خارج از فقه را ادامه دهد.

وی گفت: مرحوم شیخ عباس قوچانی در مشهد دروس فلسفه را زیر نظر آقا بزرگ حکیم و میرزا محمد آخوند گذراند و وقتی به نجف مراجعت کرده بود، در مدرسه علمیه مرحوم سید کاظم یزدی که از مدارس به نام آنجا است، حجره گرفته و د درس مرحوم سید محمد حسین غروی کمپانی و نیز ابتدا درس‌های مرحوم آیت‌الله خویی حضور پیدا کرد.

شیخ محمود افزود: پدرم تعریف می‌کرد یک روز در کنار حوض مشغول وضو گرفتن بودم دیدم طلبه‌ای که خیلی گوشه‌گیر و یک مقدار سرخورده است، ولی با دیگران فرق دارد، مشغول گرفتن وضو است و آهسته به او گفتم، اگر استاد خاصی داری که نزد او می‌روی ما را هم معرفی کنی و فردا همراه او خدمت آیت‌الله سید علی آقا قاضی رفتیم و ایشان هم ما را پذیرفت و از آن زمان تا پایان عمر، آقای قاضی که 14 سال طول کشید، مراحل اخلاقی و سیر سلوک را طی کردیم.

وی در مورد اینکه آن طلبه که بود، گفت: مرحوم شیخ محمد تقی بهجت عارف بزرگی بود که در قم به رحمت خدا رفت.

وی گفت: آن زمان مرحوم آیت‌الله قاضی از پدرم استقبال کرد و پدرم از نظر مسائل درس حوزوی نیز زبانزد بود و بعد از گذراندن درس خارج و حضور در درس علمای بزرگ، خدمت آقای قاضی رسیده بود.

حجت‌الاسلام شیخ محمد قوچانی افزود: یک روز آیت‌الله قاضی نامه‌ای به پدرم می‌دهد و می‌گوید این نامه را بخوان و وقتی نامه را خواند احساس کرد وصیت‌نامه آقای قاضی است و در قسمتی از آن وصیت‌نامه نوشته بود «و اما وصی اینجانب در امر

طریقت آقای شیخ عباس هاتف مجتهد قوچانی است».

پدرم می‌گوید وقتی این را خواندن بلافاصله گفتم آقا با دست خالی؟!

مرحوم آقای قاضی تبسمی کرد و چیزی نگفت.

وی در مورد اینکه آن زمان پدرتان حدوداً چند سال سن داشتند، گفت: حدود سال 1331 بوده است و مرحوم آقای قاضی با آوردن کلمه مجتهد در واقع حکم اجتهاد برای پدرم صادر کردند. ایشان در نجف 14 سال در درس آقای قاضی حضور داشته و همیشه با ایشان مأنوس بوده است و همیشه می‌گفت که هرگز کلامی از استادم آقای قاضی صادر نشد که دلالت منطوقی و یا منطقی بر این داشته باشد که دارای مراتبی است و همیشه داشتن مراتب را نفی می‌کرد، چون واقعاً هرچه داشت از خدا و ائمه اطهار داشت، مرحوم پدرم نیز مانند استادش همیشه می‌گفت، دستم خالی است.

حجت‌الاسلام محمود قوچانی افزود: مرحوم آیت‌الله قاضی به پدرم فرموده بود، «شما در آخر عمر تنها می‌شوید و در آن تنهایی به مقصد می‌رسید» و وقتی پدرم این قضیه را برای مادرم تعریف کرده بود، مادرم گفته بود مگر می‌شود تو را تنها بگذاریم حتی اگر من هم بمیرم، فرزندان در کنارتان هستند، اما همان گونه که آیت‌الله قاضی پیش‌بینی کرده بود، ایشان در 3 سال آخر عمر در تنهایی به سر می‌برد و در غربت و تنهایی از دنیا رفتند.

امام جماعت مسجد الرسول سعادت آباد در پاسخ به این پرسش که چگونه شما پدرتان را تنها گذاشتید، افزود: بعد از جنگ تحمیلی که صدام علیه ایران راه انداخت اوضاع عراق وخیم بود و در این اواخر همه ایرانیان را از عراق بیرون راندند از جمله ما و خانواده ما را نیز بیرون کردند؛ از اول سال 58 دفتر امام را بستند و ما را فرستادند ایران و برادر من که 10 سال از من کوچکتر بود، در عراق ماند اما فقط به جرم اینکه از مستمندان دستگیری می‌کرد، توسط نیروهای امنیتی عراق دستگیر شد و هرگز از سرنوشت او خبری نداشتیم و پس از سقوط صدام، معلوم شد که او را در زندان‌ها شهید کردند؛ من که به ایران آمدم خواهرم آنجا بود، اما در نهایت او را هم بیرون کردند و رژیم صدام به تعدادی از علما که سن و سالی از آنها گذشته بود، کاری نداشت و بقیه را بیرون کرد.

حجت‌الاسلام قوچانی که قبلاً نماینده ولی‌فقیه و رئیس قبلی سازمان عقیدتی سیاسی ارتش بوده است، گفت: مقام معظم رهبری به مرحوم پدرم پیام دادند که به ایران مراجعت کند، اما پدرم گفته بود حاضر نیستم جوار حرم امیرالمومنین (ع) را ترک کنم و تا آخر عمر در نجف اشرف باقی ماند و همان‌جا رحلت کرد.

وی در مورد تعداد اولاد شیخ عباس قوچانی گفت: 4 فرزند شامل 2 دختر و 2 پسر داشت، تعدادی از علمای بزرگسال مانند آیت‌الله سید علی سیستانی در نجف ماندند و حوزه علمیه نجف را حفظ کردند.

شیخ محمود قوچانی افزود: پدرم می‌گفت دعای من همیشه این بوده است که خدایا مرا گرفتار مرجعیت نکن و مرحوم پدرم قبل از آقای آیت‌الله خویی فوت کرد و اگر بعد از ایشان مانده بود، علمای نجف ایشان را به عنوان مرجع جانشین آیت‌الله خویی مطرح می‌کردند.

وی در مورد اینکه اجازه اجتهاد مرحوم شیخ عباس قوچانی توسط چه کسانی صادر شده بود، گفت: از مراجع مختلف مانند سید عبدالهادی شیرازی، سید جمال گلپایگانی، مرحوم آیت‌الله سید ابولقاسم خویی و مرحوم آیت‌الله حکیم اجازه اجتهاد داشتند.

حجت‌الاسلام قوچانی در مورد اینکه آیا اکنون فاصله علما با مردم کم یا تقویت شده است، گفت: در آن زمان طاغوت بود و در زمان صدام و قبل از آن علمای نجف فقط در حوزه و تربیت کردن مجتهدان کوشش می‌کردند، در امور سیاسی حق گام برداشتن نداشتند و هیچ روحانی نمی‌توانست در مسائل اجتماعی نقش ایفا کند، اما امروز علما در امور اجتماعی فعال هستند.

وی گفت: مرحوم اخوی من تنها جرمش دستگیری و کمک به مستمندان بود و رژیم صدام او را گرفت و در زندان به صورت غریبانه شهید کرد.

وی در مورد اینکه آیا مادرتان در قید حیات هستند یا خیر، گفت: 10 سال پیش از دنیا رفتند.

حجت‌الاسلام قوچانی در مورد اینکه آیا از شیخ عباس قوچانی کتاب‌هایی مانده است گفت: ایشان همچون استادش آیت‌الله سید علی قاضی اهل کتاب نوشتن کتاب نبود و سیره آقای قاضی را که هیچ اثری از خود بر جای نگذاشت، دنبال کرد، البته تصحیح کتاب جواهر الکلام را که یک دوره فقهی تخصصی است، بر عهده ایشان گذاشته شد و از چاپ سنگی به چاپ جدید تبدیل کرده و در اختیار طلاب قرار داد و گر نه هیچ چیز دیگری از خود باقی نگذاشت.

حجت‌الاسلام قوچانی در مورد دیدار پدرش با امام خمینی (ره) گفت: قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن مرحوم پدرم با امام ملاقاتهایی داشت و در سال 58 هم که به ایران آمده بود با امام خمینی دیدار داشت.

وی در مورد داستان کتاب حکایت و پیش‌بینی وقوع انقلاب اسلامی توسط آیت‌الله قاضی که توسط مرحوم پدرش شیخ عباس خوانده شده بود، گفت: این قضیه درست است و مربوط به دیدار امام خمینی با آیت‌الله قاضی است. متن داستان در اینجا قابل دسترس است.

وی در مورد اینکه آیا فرزندان آقای قاضی زنده هستند، گفت: خود مرحوم قاضی هم هیچ اثری از خود نگذاشت و فرزندان آقای قاضی همه فوت کردند و فقط تعدادی از نوه‌هایش در عراق هستند.

حجت‌الاسلام قوچانی در مورد فوت مرحوم حجت‌الاسلام شکرالله فهیمی عالم قوچان که به تازگی در روز شهادت حضرت زهرا(س) به رحمت خدا پیوسته و پدر شهید محمد جواد فهیمی بوده، گفت: خدا رحمتش کند، آدم بسیار خوبی بود و خدمات خوبی ارائه کرد، جایش در بهشت است. خارج از پدر شهید بودن، خودش هم خیلی آدم خوبی بود، روحش شاد و خدایش بیامرزد.